

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ

سطح ۲

درس ۲۷

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

مقدمه

در ادامه مباحث کتاب صلات، به بحث نماز جماعت رسیدیم. استحباب این نماز اجمالا مورد اتفاق نظر علما است، اما برای استحباب آن نیاز به یک عام داریم که بتوان با استناد به آن شمول نمازهای واجب را به دست آورد تا حدی که اگر نمازی از این استحباب خارج بود نیاز به مخصص داشته باشد. بهترین روایت، صحیح زراره و فضیل از امام صادق علیه السلام بود که به عنوان عام ذکر شد. با توجه به این روایت، نماز طواف و نمازهای مستحب از عموم خارج شدند. هم چنین این حکم اختصاص به نمازهای واجب اصلی پیدا کرد. در پایان مطرح شد که لازم نیست امام نیت امامت کند، البته از این قانون نماز عیدین و نماز جمعه استثناء شده‌اند که در این درس به بررسی آن خواهیم پرداخت، علاوه بر آن ذکر می‌کنیم کسی که رکوع امام را درک کند یک رکعت نماز را درک کرده و اگر شک کند به رکوع امام رسیده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که نرسیده است، جایز نبودن امامت زن بر مرد، عادل بودن امام و صحیح بودن قرائت او مسائل دیگری است که در این درس به بررسی آن خواهیم پرداخت.

متن عربى

٧. و أما استثناء العيدين الواجبة و الجمعة، فقد علل بأن صحة الصلاة فيهما متقومة بالجماعة به حيث يكون الواجب هو الحصة المقارنة للأجتماع فلا بدّ من قصد الامام للحصة المذكورة.

٨. و أما ان ادراك الركعة يتحقق بذلك، فتدل عليه الروايات الدالة على أن الداخل للمسجد اذا خاف رفع الآمام رأسه من الركوع كبر و مشى.

و هكذا الروايات الدالة على استحباب اطالة الامام ركوعه ليلتحق المأموم به.

و مثل صحيحة سليمان بن خالد عن ابي عبد الله عليه السلام: «الرجل اذا ادرك الامام و هو راكع... ثم ركع قبل ان يرفع الامام رأسه، فقد ادرك الركعة».

٩. و أما مسألة شك المأموم بعد تكبيره فى بقاء الامام راكعا، فلعدم احراز المأموم تحقق الركوع منه قبل رفع الامام رأسه.

١٠. و أما عدم جواز إمامة المرأة للرجال، فهو من المسلمات؛ و يمكن استفادته من الروايات التى تسأل عن جواز امامة المرأة لمثلها، كموثقة سماعة: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن المرأة تؤم النساء، فقال: لا بأس به» فانها ظاهرة فى المفروغية عن عدم جواز امامتها لغيرها.

على انه تكفى لاثبات المطلوب إصالة عدم المشروعية بعد فقدان الدليل على الجواز، فإن صحيحة زرارة و فضيل المتقدمة ليس لها اطلاق احوالى.

١١. و أما اعتبار العدالة، فقد قيل انه مما اجمعت عليه الامامية؛ و قد يستدل له بموثقة سماعة: «سألته عن رجل كان يصلى فخرج الامام و قد صلى الرجل ركعة من صلاة فريضة، قال: إن كان اماما عدلا فيصل اخرى و ينصرف و يجعلها تطوعا و ليدخل مع الامام فى صلاته كما هو؛ و إن لم يكن امام عدل، فليبين على صلاته كما هو و يصلى ركعة اخرى و يجلس قدر ما يقول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، ثم ليتم صلاته على ما استطاع فإن التقية واسعة...».

و بأصالة عدم المشروعية بعد عدم الاطلاق الاحوالى لصحيحة زرارة و فضيل المتقدمة.

١٢. و أما اعتبار صحة القراءة، فمتسالم عليه؛ و يمكن الاستدلال له بأن القراءة ليست ساقطة عن المأموم رأسا و انما الامام وكيل و ضامن لها، ففى صحيحة سليمان بن خالد: «قلت لابي عبد الله عليه السلام أيقراً، يكله الى الامام»؛ و فى موثقة سماعة عن ابي عبد الله عليه السلام «سأله رجل عن القراءة خلف الامام، فقال: لا، ان الامام ضامن للقراءة...» و لا معنى لضمانه و وكالته اذا لم يأت بها صحيحة.

و به قطع النظر عن ذلك تكفى أصالة عدم المشروعية بعد عدم الاطلاق الاحوالى.

دلیل لزوم نیت امامت در نماز عیدین^۱ و جمعه

تا این جا بیان شد که لازم نیست امام نیت امامت داشته باشد، اما این قاعده کلی نیست و نماز عیدین و نماز جمعه از آن استثناء شده است. یعنی در این نمازها امام جماعت باید نیت امامت داشته باشد.

دلیل

نماز عیدین، یعنی عید فطر و قربان و هم چنین نماز جمعه نمازهایی هستند که شرط اقامه آنها به جماعت بودن است، و در غیر این صورت صحیح نمی‌باشند؛ لذا واجب است که به جماعت اقامه شوند. وقتی جماعت در آنها واجب باشد لازم است این وجوب در نیت امام هم مراعات شود. چون امام می‌خواهد نمازی بخواند که به جماعت بودن در آن واجب است به همین علت باید برای این که شرط به جماعت بودن محقق شود، نیت امامت داشته باشد.

دلیل درک یک رکعت نماز قبل از سر برداشتن امام از رکوع

اگر مأموم تا قبل از این که امام سر از رکوع بر دارد نیت کرده و رکوع را درک کند، یک رکعت نماز را درک کرده و رکعت اول نماز او به حساب می‌آید. این مطلب را از روایاتی که در این زمینه وارد شده می‌توان اثبات نمود، مانند روایاتی که دلالت دارند اگر کسی وارد مسجد شود و امام در رکوع باشد و بترسد به رکوع او نرسد تکبیر گفته و راه می‌رود تا به رکوع برسد.

و روایاتی که دلالت دارند مستحب است امام جماعت رکوع را طولانی به جا آورد برای این که مأموم بتواند خود را به رکوع امام برساند.

با تأمل در این دو دسته روایات اهمیت رسیدن به رکوع امام جماعت به دست می‌آید، و روشن است وجه آن این است که مأموم بتواند نماز جماعت را درک نماید و وقتی نماز را درک نمود آن رکعت از نماز را درک نموده است و یک رکعت از نماز او محسوب می‌شود.

صحیحہ سلیمان بن خالد

سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام: اگر فرد وقتی برسد که امام جماعت در رکوع است و قبل از این که امام سر از رکوع بردارد به جماعت ملحق شده و به رکوع برود یک رکعت نماز را درک کرده است.

۱. نماز عیدین نماز عید فطر و عید قربان است وقت نماز عیدین، از آغاز طلوع خورشید تا ظهر می‌باشد، این نماز، دو رکعت است که بهتر است بعد از حمد، در رکعت اول سوره اعلی و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره والشمس خوانده می‌شود.

در رکعت اول بعد از حمد و سوره، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت دارد در قنوت، هر ذکری را می‌توان خواند ولی بهتر است دعائی را که نمایانگر شکوه و عظمت خداوند است خوانده شود، دعا معروف این است:

اللهم اهل الکبرياء والعظمة و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة اسئلك به حق هذا اليوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخرا و شرفا و کرامه و مزیدا ان تصلى علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر، ادخلت فیہ محمدا و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتک علیه و علیهم اللهم انی اسئلك خیر ماسئلك عبادک الصالحون و اعوذبک مما استعاذ منه عبادک المخلصون.

دلیل حکم شک مأموم در رسیدن به رکوع امام

اگر کسی قبل از سر برداشتن امام جماعت از رکوع برسد و تکبیر گفته به رکوع رود، سپس شک کند رکوع را درک کرده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که به رکوع نرسیده است.

علت حکم این است که: چون برای این فرد محرز نشده که به رکوع امام رسیده است لذا نمی‌تواند بنا را بر درک رکوع بگذارد. «FG»

- ادله برخی از احکام جماعت
۱. لزوم نیت جماعت در نماز عیدین: شرطیت جماعت در اقامه نماز عیدین.
 ۲. احتساب یک رکعت تا قبل از سر برداشتن امام از رکوع: صحیحه سلیمان بن خالد.
 ۳. عدم احتساب یک رکعت در صورت شک رسیدن به رکوع امام: عدم احراز رسیدن به رکوع.

تطبیق

۷. و أما استثناء العیدین الواجبة و الجمعة، فقد علل بأن صحة الصلاة فيهما متقومة بالجماعة به حيث يكون الواجب هو الحصة المقارنة للأجتماع فلا بد من قصد الامام للحصة المذكورة.

۷. اما استثناء نماز عیدین و نماز جمعه، علت آورده شده به این که قوام صحت نماز عیدین به جماعت بودن آنها است به گونه‌ای که مقدار واجب از آن مقداری است که با جماعت باشد پس امام هم باید آن مقدار واجب را قصد کند (که نماز به قید اجتماع است).

۸. و أما ان ادراك الركعة يتحقق بذلك، فتدل عليه الروايات الدالة على أن الداخل للمسجد اذا خاف رفع الامام رأسه من الركوع كبر و مشى^۱.

۸. اما این که درک کردن یک رکعت با رسیدن به رکوع امام محقق می‌شود، دلالت می‌کند بر آن روایاتی که دلالت دارند بر این که کسی که وارد مسجد می‌شود اگر خوف این را دارد که امام سر از رکوع بردارد، تکبیر می‌گوید و راه می‌رود (و خود را به جماعت می‌رساند).

و هكذا الروايات الدالة على استحباب اطالة الامام ركوعه ليتحقق المأموم به^۲.

و همین طور روایاتی که دلالت بر مستحب بودن طول دادن رکوع امام دارد تا این که مأموم بتواند ملحق شود.

و مثل صحیحه سلیمان بن خالد عن ابی عبد الله علیه السلام: «الرجل اذا ادرك الامام و هو راكع... ثم ركع قبل ان يرفع الامام رأسه، فقد ادرك الركعة^۳».

و مانند صحیحه سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام: «اگر کسی امام را درک کند در حالیکه او در رکوع است، سپس رکوع کند قبل از این که امام سر از رکوع بردارد، به تحقیق یک رکعت را درک کرده است».

۱. المصدر: باب ۴۶ من ابواب احکام الجماعة.

۲. المصدر: باب ۵۰ من ابواب احکام الجماعة.

۳. المصدر: باب ۴۵ من ابواب الجماعة، حدیث ۱.

۹. و أما مسألة شك المأموم بعد تكبيره في بقاء الامام راعيا، فلعدم احراز المأموم تحقق الركوع منه قبل رفع الامام رأسه.

۹. اما مسأله شك ماموم بعد از تكبيرش در اين كه امام در ركوع باقی است يا نه، به خاطر اين است كه ماموم احراز نمی كند كه ركوع او قبل از سر برداشتن امام از ركوع محقق شده است. SCO ۱۰:۰۳

دلیل عدم مشروعیت امامت زن^۱

اتفاق اصحاب

این مطلب از مسائلی است كه همه علما آن را قبول کرده اند و بحثی در مورد آن ندارند. با این حال می توان برای آن از روایت وارد شده در این زمینه استدلال نمود.

موثقه سماعه

سماعه می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد امامت زن برای زن در نماز جماعت سؤال کردم، حضرت فرمودند: اشكالی ندارد.

با اندکی تأمل در روایت این نکته روشن می شود: علت سؤال راوی این بوده كه این مسأله محل اشكال بوده و نمی دانسته آیا زن می تواند امام جماعت زن دیگر باشد یا نه؟ وقتی این سؤال در مورد امامت زن برای زن جاری باشد معلوم است امامت او برای مرد در نظر سؤال کننده مشخص بوده كه امکان ندارد، لذا شك داشته آیا در مورد امامت برای زن امکان دارد یا نه، لذا از حضرت در مورد آن سؤال نموده است.

اصل عدم مشروعیت

اگر از روایات صرف نظر کنیم و فرض کنیم روایتی در این زمینه وارد نشده می توان حکم این مسأله را با اصل عملی روشن کرد. چون ما شك در جواز و مشروع بودن آن داریم و دلیلی بر آن وجود ندارد لذا اصل عدم مشروعیت جریان پیدا می کند، در نتیجه عدم مشروعیت امامت زن برای مرد به دست می آید.

اشكال

۱. اكثر مراجع تقلید امامت زن را برای زنان دیگر جایز می دانند. در صورت برپایی نماز جماعت توسط خانم، باید هر یک از افراد به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، یعنی اگر مرجع تقلید یک خانم، اجازه داده، می تواند پشت سر امام جماعت زن نماز بخواند. شرایط امامت جماعت به طور کلی این است كه باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند. بنابراین زن می تواند امام جماعت زنان شود ولی نمی تواند برای مردان امامت کند علت و فلسفه آن برای ما مشخص نیست ولی می توان حدس زد كه اگر زن امام شود به طور طبیعی اندام زنانه در جلوی مردان و شنیدن صدای زنان تحریک کننده است و نماز را كه ذكر و یاد خداوند و خلوت نمودن با او و مبارزه با وسوسه شیطان است، از حقیقت خود منحرف می کند و این با روح عبادت و پرستش الهی سازگار نیست. در عین حال در دستورات اصلی تا حد امکان از اختلاط زنان و مردان نهی شده است، مگر مواردی كه ضرورت و نیاز باشد و این مسئله با اختلاط زن و مرد و پیش نماز بودن زنان سازگار نیست.

اگر کسی ادعا کند روایت زراره و فضیل که به عنوان عام در مسأله استحباب نماز جماعت است عموم احوالی دارد و شامل امامت زن هم می‌شود، یعنی شامل تمام حالات نماز جماعت می‌شود و از جمله این حالات، حالت امامت زن برای مرد است.

جواب

همان طور که در مباحث قبل هم گفتیم، این روایت با توجه به سیاق آن و سؤال و جواب واقع شده در آن فقط عموم افرادی دارد اما عموم احوالی ندارد تا کسی بتواند با استناد به آن جواز و مشروعیت امامت زن برای مرد را ثابت کند. «FG»

۱. موثقه سماعه.
۲. اصل عدم مشروعیت.

دلیل عدم جواز امامت زن

تطبيق

۱۰. و أما عدم جواز إمامة المرأة للرجال، فهو من المسلمات. اما جایز نبودن امامت زن بر مرد، این مطلب از مسلمات است. و يمكن استفادته من الروايات التي تسأل عن جواز إمامة المرأة لمثلها، كموثقة سماعه: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن المرأة تؤم النساء، فقال: لا بأس به» فانها ظاهرة في المفروعية عن عدم جواز امامتها لغيرها. و می‌توان این مسأله را از روایاتی که سؤال شده از جایز بودن امامت زن بر مثل خودش استفاده کرد، مثل موثقه سماعه: «از امام صادق علیه السلام از زنی که امامت می‌کند بر زنان، فرمود: اشکالی ندارد» پس این روایت ظهور دارد در مسلم بودن عدم جواز امامت زن بر غیر زن (مرد). علی انه تكفي لاثبات المطلوب إصالة عدم المشروعية بعد فقدان الدليل على الجواز، فإن صحيحة زرارة و فضيل المتقدمة ليس لها اطلاق احوالی.

و برای اثبات مطلوب کفایت می‌کند اصل عدم مشروعیت (امامت زن بر مرد) بعد از این که دلیلی بر جواز نیست، و صحیح زرار و فضیل که گذشت اطلاق احوالی ندارد. SCO۲۰:۴۳

دلیل شرطیت عدالت برای امام^۲

اجماع

۱. المصدر: باب ۲۰ من ابواب صلاة الجماعة، حديث ۱۱.

۱. عادل باشد، یعنی از گناهان کبیره، مانند: دروغ، غیبت، تهمت، آدم‌کشی، رباخواری، ترک نماز و ترک روزه ...، از روی ملکه اجتناب کند و مراد از ملکه؛ حالت نفسانی است که انسان را به ترک گناه وادار می‌کند، گناه صغیره نیز با اصرار بر آن، گناه کبیره محسوب می‌گردد و نشانه عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد؛ یعنی اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، بگویند: ما خلاف شرعی از او سراغ نداریم.

عادل بودن امام جماعت نزد شیعیان روشن است و برخی از علما مثل صاحب جواهر بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. علاوه بر اجماع می‌توان از روایات وارد شده در این زمینه نیز استفاده کرد.

موثقه سماعه

در موثقه سماعه این گونه آمده: از امام علیه السلام در مورد کسی سؤال کردم که مشغول نماز بود و یک رکعت از نماز واجب خود را خوانده بود، در این هنگام امام جماعت وارد شد، وظیفه او چیست؟ حضرت فرمودند: اگر امام جماعت فرد عادل است، او یک رکعت دیگر می‌خواند و نیت نماز مستحب می‌نماید، سپس به جماعت ملحق شده و با امام نماز واجبش را می‌خواند. اما اگر امام جماعت عادل نبود نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از این که یک رکعت دیگر خواند به اندازه گفتن تشهد می‌نشیند...

با تأمل در این روایت روشن می‌شود اگر امام جماعت عادل باشد نماز را با او می‌خواند اما اگر عادل نباشد نماز خود را به صورت فرادی ادامه می‌دهد؛ لذا نتیجه این است که امام جماعت باید عادل باشد.

اشکال و جواب استناد به اطلاق احوالی صحیح زراره و فضیل در این جا نیز به همان بیان سابق است. «FG»

۱. اجماع. ۲. موثقه سماعه.	}	دلیل شرطیت عدالت برای امام
------------------------------	---	----------------------------

دلیل اعتبار صحت قرائت امام

اتفاق اصحاب

صحیح بودن قرائت امام جماعت نیز از مسائل مورد قبول فقها است. با این حال می‌توانیم برای اثبات آن به روایات وارد شده در این زمینه استناد کنیم. این روایات بیانگر این مطلب هستند که تکلیف قرائت در نماز جماعت بر عهده مأموم ثابت است، اما چون نماز را به جماعت می‌خواند امام جماعت وکیل و ضامن او در انجام قرائت است. پس همان گونه که مأموم وظیفه دارد قرائت را صحیح انجام دهد امام هم که وکیل و ضامن او است باید آن را به صورت صحیح به جا آورد، در غیر این صورت معنایی ندارد امام را وکیل و ضامن او در قرائت بدانیم.

صحیح سلیمان بن خالد

سلیمان بن خالد، راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا کسی که نماز ظهر و عصر را به جماعت می‌خواند و نمی‌داند که امام قرائت را انجام می‌دهد یا نه می‌تواند خودش قرائت را انجام دهد؟ حضرت فرمودند: نمی‌تواند خودش قرائت را انجام دهد بلکه آن را به امام واگذار می‌کند. در این روایت عبارت «یکله الی الامام» آمده که معنایش واگذار کردن و وکیل گرفتن است.

موثقة سماعه

سماعه می‌گوید: کسی از امام صادق علیه السلام در مورد قرائت نماز پشت سر امام جماعت سؤال کرد، حضرت فرمودند: نمی‌تواند انجام دهد، چرا که امام جماعت ضامن انجام آن است. در این روایت هم عبارت «ان الامام ضامن للقراءة» آمده و تصریح در ضامن بودن امام در قرائت نماز دارد.

اشکال و جواب عموم احوالی صحیحه زراره و فضیل در این جا نیز مانند بیان سابق است. «FG»

- | | | |
|---|---|---------------------------|
| <p>۱. اتفاق اصحاب.
۲. صحیحہ سلیمان بن خالد.
۳. موثقة سماعه.</p> | } | دلیل شرطیت صحت قرائت امام |
|---|---|---------------------------|

تطبيق

۱۱. و أما اعتبار العدالة، فقد قيل انه مما اجمعت عليه الامامية^۱.

۱۱. اما معتبر بودن عدالت (در امام جماعت)، گفته شده آن از مسائلی است که شیعه در آن اتفاق نظر دارد. و قد يستدل له بموثقة سماعه: «سألته عن رجل كان يصلي فخرج الامام وقد صلى الرجل ركعة من صلاة فريضة، قال: إن كان اماما عدلا فيصل اخرى و ينصرف و يجعلها تطوعا و ليدخل مع الامام في صلاته كما هو».

و استدلال می‌شود بر آن به موثقه سماعه: «از حضرت سؤال کردم از فردی که نماز می‌خواند که امام جماعت وارد شد در حالی که شخص یک رکعت از نماز واجبش خوانده بود، فرمود: اگر امام عادل بود، پس نماز دیگری بخواند و از نماز واجب منصرف شده آن را مستحبی قرار دهد و با امام وارد نماز شود همان طور که هست».

و إن لم يكن امام عدل، فليبين على صلاته كما هو و يصلي ركعة اخرى و يجلس قدر ما يقول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، ثم ليتم صلاته على ما استطاع فأن التقية واسعة...^۲

و اگر امام عادل نبود، نمازش را ادامه دهد و یک رکعت دیگر بخواند و بنشیند به اندازه‌ای که گفته می‌شود: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، سپس نماز را به گونه‌ای که می‌تواند به پایان ببرد، چرا که (باب) تقیه واسع است.

و بأصالة عدم المشروعية بعد عدم الاطلاق الاحوالی لصحیحة زرارة و فضیل المتقدمة.

و به خاطر عدم مشروعیت (در صورت عادل نبودن امام) بعد از این که صحیحه زراره و فضیل اطلاق احوالی ندارد.

۱۲. و أما اعتبار صحة القراءة، فمتسالم عليه.

۱۲. اما معتبر بودن صحت قرائت (امام جماعت)، از مسائل اتفاقی است.

۱. جواهر الكلام: ۲۷۵/۱۳.

۲. وسائل الشیعة: باب ۵۶ من ابواب صلاة الجماعة، حدیث ۲.

و يمكن الاستدلال له بأن القراءة ليست ساقطة عن المأموم رأساً و إنما الامام و وكيل و ضامن لها، ففي صحيحة سليمان بن خالد: «قلت لابي عبد الله عليه السلام أيقراً، يكله الى الامام».

و ممكن است استدلال بر آن به اين كه قرائت به طور كلي از ماموم ساقط نيست بلكه امام و وكيل و ضامن قرائت او است، در صحيحة سليمان بن خالد آمده: «به امام صادق عليه السلام عرض كردم آيا (ماموم) قرائت مي كند، فرمود: آن را به امام موكول مي كند. (امام را وكيل خود قرار مي دهد)».

و في موثقة سماعة عن ابي عبد الله عليه السلام «سأله رجل عن القراءة خلف الامام، فقال: لا، ان الامام ضامن للقراءة...»، و لا معنى لضمانه و وكالته اذا لم يأت بها صحيحة.

و در موثقه سماعة از امام صادق عليه السلام «فردی از حضرت در مورد قرائت پشت سر امام سؤال کرد، فرمود: نه، امام ضامن قرائت است...» و برای ضامن بودن و وكيل بودن امام معنی ندارد اگر قرائت را به صورت صحيح نياورد.

و به قطع النظر عن ذلك تكفي أصالة عدم المشروعية بعد عدم الاطلاق الاحوالی.

و با قطع نظر از آن (روایت) اصالت عدم مشروعیت (در صورت صحيح نبودن قرائت) بعد از اين كه روايت اطلاق احوالی ندارد، (برای اثبات اشتراط صحيح بودن قرائت امام) كفايت مي كند. SCO۳♦۲۷:۵۱

۱. المصدر: باب ۳۱ من ابواب صلاة الجماعة، حديث ۸.

چکیده

۱. در نماز عیدین و جمعه امام جماعت باید نیت امامت کند.
۲. مأموم اگر قبل از سر برداشتن امام از رکوع تکبیر گفته و رکوع را درک کند، یک رکعت برای او حساب می‌شود.
۳. اگر مأموم تکبیر گفت و شک کرد به رکوع امام رسیده یا نه، بنا را بر این می‌گذارد که نرسیده است.
۴. زن نمی‌تواند امام جماعت برای مرد باشد.
۵. وقتی در جواز امامت زن برای مرد شک کردیم و دلیلی بر آن نداشتیم، اصل عدم جواز و عدم مشروعیت آن جاری می‌شود.
۶. امام جماعت باید عادل باشد.
۷. قرائت امام جماعت باید صحیح باشد.